ماه و خورشید دو نشانه از نشانه های (قدرت) الله هستند و به خاطر مرگ و زندگی کسی دچار گرفتگی نمی شوند. پس هرگاه چنین حالت هایی را دیدید، دعا کنید و تکبیر بگویید و نماز بخوانید و صدقه بدهید.

از عایشه رضی الله عنها روایت است که می گوید: در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم خورشید گرفتگی رخ داد و رسول الله صلی الله علیه وسلم همراه مردم نماز خواند و قیام کرد و آن را طولانی نمود و سپس رکوع کرد و آن را طولانی نمود. آنگاه از رکوع برخاست و دوباره قیام را طولانی کرد، اما نه به اندازه ی قیام اول. سپس به رکوع رفت و این بار رکوع را اندکی از رکوع قبلی کوتاه تر انجام داد؛ سپس به سجده رفت و آن را نیز طولانی کرد. در رکعت دوم نیز مانند رکعت اول عمل کرد. و پس از اتمام نماز، خورشید گرفتگی نیز برطرف شد. آنگاه به ایراد خطبه پرادخت و پس از حمد و ثنای الله فرمود: «إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ، لا يَنْخَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ، وَلا لِحَيَاتِهِ، فَإِذَا رَأَيْتُمْ ذَلِكَ فَادْعُوا اللَّهَ وَكَبِّرُوا وَصَلُّوا وَتَصَدَّقُوا»: «ماه و خورشید دو نشانه از نشانه های (قدرت) الله هستند و به خاطر مرگ و زندگی کسی دچار گرفتگی نمی شوند. پس هرگاه چنین حالت هایی را دیدید، دعا کنید و تکبیر بگویید و نماز بخوانید و صدقه بدهید». سپس اضافه نمود: «يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ مَا مِنْ أَحَدٍ أَغْيَرُ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَزْنِيَ عَبْدُهُ أَوْ تَزْنِيَ أَمَتُهُ؛ يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، وَاللَّهِ لَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمُ لَضَحِكْتُمْ قَلِيلاً وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا»: «ای امت محمد، بخدا سوگند هرگاه یکی از بندگان الله، مرد یا زن، مرتکب زنا شود، غیرت هیچکس به اندازه ی غیرت الله نمی باشد. ای امت محمد، اگر آنچه را من می دانم شما می دانستید، بسیار کم می خندیدید و زیاد گریه می کردید». و در لفظی آمده است: چهار رکوع و چهار سجده به جا آورد.

[صحیح است] [متفق علیه]

در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم خورشید گرفتگی رخ می دهد و چون خسوف امری غیر طبیعی بود، رسول الله صلی الله علیه وسلم به همراه صحابه نمازی متفاوت از نظر ظاهری و مقدار می خواند؛ برمی خیزد و با مردم نماز می خواند و بعد از تکبیرة الاحرام قیام نماز را طولانی می کند، سپس رکوع نموده و رکوع را طولانی می کند؛ آنگاه برخاسته، دوباره به قیام ایستاده و به قرائتی طولانی اما کمتر از قرائت بار اول می پردازد، سپس رکوع می کند و رکوع را طولانی می نماید اما خفیف تر از رکوع اول؛ آنگاه سرش را از رکوع برداشته و سمع الله لمن حمده گفته و قرائت نمی کند و به سجده می رود و سجده را طولانی می کند؛ و در رکعت دوم همانند رکعت اول، اما خفیف تر عمل می کند چنانکه هر رکن را کوتاه تر از رکن قبل از آن انجام می دهد؛ تا اینکه چهار رکوع و چهار سجده را در دو رکعت تکمیل می کند، آنگاه از نماز خارج می شود و خورشید گرفتگی برطرف می شود و خورشید رخ می نماید؛ پس از نماز همچون سایر مناسبات به ایراد خطبه می پردازد و حمد و ثنای الله گفته و پند و اندرز می دهد؛ و این درحالی است که خورشید گرفتگی مصادف شده با روز مرگ پسر ایشان ابراهیم رضی الله عنه؛ و برخی از مردم گفته اند: خورشید به خاطر مرگ ابراهیم گرفته است. و بر حسب عادت شان در جاهلیت، دلیل خورشید گرفتگی را مرگ فرد بزرگی یا تولد فردی بزرگ ذکر می کنند. بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم از باب نصیحت و خیرخواهی و اخلاصی که در ادای رسالت داشت و جهت منفعت رساندن به مردم، تصمیم می گیرد خرافاتی را که در اذهان رسوخ کرده، از بین ببرد؛ خرافاتی که نه مستند به نقلی صحیح هستند و نه مورد پذیرش عقلی سالم؛ بنابراین حکمت از خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی را بیان نموده و در خطبه اش می فرماید: خورشید و ماه دو نشانه از نشانه های الله متعال هستند که برای مرگ و زندگی کسی نمی گیرند؛ بلکه الله متعال آنها را با قدرت خود جریان می بخشد تا بندگانش را بترساند و نعمت هایش را به آنها متذکر شود. بنابراین وقتی با چنین شرایطی مواجه شدید، رو به الله بیاورید و توبه کنید و به سوی او بازگردید و دعا کنید و تکبیر بگویید و نماز بخوانید و

صدقه بدهید. چون این کارها بلا و مصیبت را دفع نموده و مجازات نازل شده را رفع می نماید. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم از میان گناهان کبیره زنا را مثال می زند که موجب فساد جامعه و اخلاق می شود و خشم و غضب و مجازات الله متعال را به دنبال دارد. و در این موعظه سوگند یاد می کند و می فرماید: ای امت محمد، هنگامی که مرد یا زنی مرتکب زنا می شود غیرت هیچکس مانند غیرت الله متعال خود را نشان نمی دهد. سپس بیان می کند که آنها جز اندکی از عذاب الله نمی دانند و اگر آنچه را می دانستند که رسول الله صلی الله علیه وسلم می داند، ترس و وحشت سراپای وجودشان را در بر می گرفت و کمتر می خندیدند و بیشتر می گریستند؛ اما الله متعال بنا بر حکمت خود این مساله را از آنها پنهان داشته است.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/5215